

مخاطبه راز

- در برابر هر آنچه مقاومت کنید، همان را به خود جذب می کنید، زیرا به طرزی قدرتمندانه با احساسات خود روی آن متمرکز می شوید. برای تغییر دادن هر چیزی به درون خود مراجعه کنید و با اندیشه و احساس خود علامت جدیدی به عالم هستی بدهید.
- نمی توانید با دقیق شدن روی جنبه های منفی به کائنات کمک کنید. وقتی به حوادث منفی زندگی توجه می کنید نه تنها بر این جنبه های منفی می افزایید، بلکه به جنبه های منفی زندگی خودتان هم چیزی اضافه می کنید.
- به جای اینکه به مسائل جهان توجه کنید، به اعتماد، عشق، تنعم، تحصیل، و صلح بیندیشید.
- چیزهای خوب زندگی هرگز تمام نمی شود. برای همه بیش از حد نیازشان هست. زندگی قرار است سرشار باشد.
- شما از این توانایی برخوردارید که به کمک اندیشه و احساسات از منابع نامحدود زندگی بهره بگیرید.
- در مقام تحسین و حقیقت سنجی آنچه در دنیا وجود دارد حرف بزنید. این گونه، منفی ها را از میان برمی دارید و خود را با بالاترین بسامدها، یعنی عشق، همخوان می سازید.

راز شما

دکتر جان هاگلین

وقتی به اطراف خود نگاه می کنیم، حتی وقتی به بدنمان دقیق می شویم، آنچه می بینیم فقط نوک کوه یخ است.

باب پراکتور

لحظه ای به این موضوع فکر کنید. به داستان نگاه کنید. جامد و محکم به نظر می رسد، اما در واقع این طور نیست. اگر آن را زیر میکروسکوپ قوی قرار بدهید، نوده انرژی مرتعشی را مشاهده می کنید.

جان آساراف

همه چیز فقط از یک ماده تشکیل دهنده ساخته شده است، خواه دست شما باشد و خواه اقیانوس یا ستاره.

دکتر بن جانسون

همه چیز انرژی است. اجازه بدهید کمی در این خصوص

توضیح بدهم. ما با عالم هستی، کهکشانشان خود، سیاره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، افراد، و بالاخره در درون خود با اندام‌ها و سپس سلول‌ها، مولکول‌ها، و اتم‌ها روبه‌رو هستیم. بعد از همه این‌ها نوبت انرژی می‌رسد. بنابراین سطوح متعددی وجود دارد که می‌توانیم به آن‌ها فکر کنیم، اما همه چیز در عالم هستی انرژی است.

من وقتی راز را کشف کردم، می‌خواستم بدانم کدام علم و کدام فیزیک را می‌توان در حوزه این آگاهی درک کرد. آنچه به آن اشراف پیدا کردم به‌راستی حیرت‌انگیز بود. یکی از جالب‌ترین موضوعات مربوط به زندگی در این زمانه این است که کشفیات فیزیک کوانتوم و علم جدید در هماهنگی کامل با تعالیم راز به سر می‌برند، و این همان چیزی است که همه معلمان بزرگ تاریخ به آن پی برده بودند.

من هرگز در مدرسه درس علوم یا فیزیک را نمی‌خواندم، اما وقتی کتاب‌های پیچیده فیزیک کوانتوم را مطالعه کردم، آن‌ها را به راحتی درک کردم. زیرا می‌خواستم چنین درکی پیدا کنم. مطالعه فیزیک کوانتوم به من کمک کرد در سطح انرژی، درک عمیق‌تری از راز به دست آورم.

اجازه دهید برایتان توضیح دهم که چرا شما قدرتمندترین برج فرستنده عالم هستی هستید. به زبان ساده، انرژی در بسامدی ارتعاش پیدا می‌کند. شما هم که انرژی هستید، در بسامد بخصوصی مرتعش می‌شوید. آنچه بسامد شما را در هر زمان مشخص می‌سازد، اندیشه و احساس شما در آن لحظه است. آنچه شما می‌خواهید، از انرژی ساخته شده است. آن هم

ارتعاش خود را دارد. همه چیز انرژی است.

وقتی به آنچه می‌خواهید فکر می‌کنید و این بسامد را از خود ساطع می‌نمایید، سبب می‌شوید انرژی آنچه می‌خواهید در آن بسامد مرتعش شود، و این ارتعاش را به خود راه می‌دهید. وقتی روی آنچه می‌خواهید دقیق می‌شوید، ارتعاش‌های اتم‌های آن را تغییر می‌دهید و سبب می‌شوید برای شما مرتعش شوند. علت اینکه شما قدرتمندترین برج انتقال عالم هستی هستید این است که به شما قدرتی داده شده که انرژی خود را از طریق افکارتان متمرکز سازید و ارتعاشات آنچه را روی آن دقیق شده‌اید تغییر دهید تا این ارتعاشات به شما برسد.

وقتی به خبرهای خوبی که می‌خواهید فکر می‌کنید، بلافاصله خود را با آن بسامد هماهنگ می‌سازید. در نتیجه سبب می‌شوید انرژی همه آن‌ها برای شما مرتعش شود و در زندگی شما پدیدار گردد. قانون جذب می‌گوید چیزهای مشابه یکدیگر را جذب می‌کنند. شما مغناطیس انرژی هستید، بنابراین همه انرژی‌ها را به سمت خود می‌کشید.

چارلز هانل تقریباً یکصد سال قبل، بدون اطلاع از همه کشفیات یکصد سال گذشته، از طرز کار عالم هستی اطلاع داشت.

ذهن کائنات نه تنها هوشمند است، بلکه دارای جوهر است، و این جوهر نیروی جذب‌کننده‌ای است که الکترون‌ها را به موجب قانون جذب کنار هم قرار می‌دهد تا اتم‌ها شکل بگیرند. به حکم همین قانون،

اتم‌ها کنار هم قرار می‌گیرند تا مولکول‌ها ساخته شوند. مولکول‌ها شکل‌های عینی پیدا می‌کنند، و بنابراین متوجه می‌شویم که این قانون، نیروی خلاق در پس هر آن چیزی است که صورت خارجی دارد. نه تنها اتم‌ها، بلکه جهان، عالم هستی، و هر آنچه ذهن بتواند تصور کند.»

— چارلز هائل

باب پراکتور

مهم نیست در چه شهری زندگی می‌کنید. شما نیرویی کافی در بدن خود دارید تا تمام شهر را به مدت یک هفته روشن کنید.

«برای اینکه از این نیرو درک بهتری داشته باشید، تصور کنید که شما «سیم زندگی» هستید. عالم هستی سیم زندگی است، عالم هستی به اندازه کافی نیرو دارد تا به همه موقعیت‌های زندگی همه مردم خدمت کند. ذهن فرد وقتی ذهن عالم هستی را لمس می‌کند، تمام نیروهای آن را جذب خود می‌سازد.»

— چارلز هائل

جیمز ری

اغلب اشخاص خود را با جسم محدودشان تعریف می‌کنند. اما شما جسمی محدود نیستید. حتی با میکروسکوپ هم

می‌توان دید که شما یک میدان انرژی هستید. آنچه در مورد انرژی می‌دانیم از این قرار است: نزد یک متخصص فیزیک کوانتوم بروید و از او پرسید: «دنیا از چه ساخته شده است؟» در جوابتان خواهد گفت: «از انرژی.» بسیار خوب، انرژی را توصیف کنید. «خب، انرژی چیزی نیست که بتوان آن را ایجاد کرد و یا از بین برد. همیشه بوده و همیشه هم خواهد بود. آنچه همیشه وجود داشته، همیشه وجود خواهد داشت.» حالا به یک عالم روحانی مراجعه کنید و از او پرسید: «عالم هستی را چه کسی خلق کرده؟» در جوابتان خواهد گفت: «خداوند.» بسیار خوب، خداوند را توصیف کنید. «خداوند همیشه بوده و همیشه هم خواهد بود. هرگز خلق نمی‌شود و هرگز از بین نمی‌رود. همیشه بوده و همیشه خواهد بود.» همان‌طور که می‌بینید، توصیف مشابهی است که از کلمات متفاوت برای بیان آن استفاده شده است.

بنابراین اگر فکر می‌کنید جسمی هستید که از گوشت ساخته شده و به هر سمتی می‌رود، در باور خود تجدید نظر کنید. شما موجودی معنوی هستید. شما میدان انرژی‌ای هستید که در میدان انرژی بزرگ‌تری فعالیت می‌کند.

چگونه می‌توانید به انسانی معنوی تبدیل شوید؟ برای من پاسخ دادن به این سؤال یکی از مهم‌ترین تعالیم راز است. شما انرژی هستید، و انرژی را نمی‌توان ایجاد نمود یا از بین برد. انرژی صرفاً شکل عوض می‌کند. معنایش این است که شما آن انرژی هستید. هرگز نمی‌توانید وجود نداشته باشید.

شما در اعماق وجود خود این را می‌دانید. می‌توانید تصورش را بکنید که وجود نداشته باشید؟ به رغم همه چیزهایی که در زندگی تجربه کرده‌اید، می‌توانید تصورش را بکنید که وجود نداشته باشید؟ نه، نمی‌توانید چنین تصویری داشته باشید، زیرا غیر ممکن است. شما انرژی جاودانه هستید.

ذهن جهانی

دکتر جان هاکلین

مکانیک کوانتوم این را تأیید می‌کند و کیهان‌شناسی کوانتوم بر این صحنه می‌گذارد که دنیا در اصل از اندیشه ساخته شده است. آنچه پیرامون ماست، حاصل یک اندیشه است. ما در نهایت، منبع عالم هستی هستیم. و وقتی این نیرو را مستقیماً تجربه کردیم و شناختیم، می‌توانیم اقتدار و اختیار خود را اعمال کنیم و بیشتر و باز هم بیشتر به دست آوریم. آنچه را می‌خواهید، ایجاد کنید. همه چیز را از درون میدان آگاهی بشناسید، که در نهایت چیزی جز آگاهی کائنات نیست که عالم هستی را درست کرده است.

بنابراین بسته به اینکه چگونه از این نیرو استفاده می‌کنیم، به‌طور مثبت یا منفی، سلامتی و پیرامون خود را شکل می‌دهیم. ما نه تنها سرنوشت خود را خلق می‌کنیم، بلکه در نهایت سرنوشت عالم هستی را رقم می‌زنیم. ما خالق عالم هستی هستیم. بنابراین محدودیتی در کار نیست. توانمندی

بالقوة انسان نامحدود است. همه چیز بستگی به این دارد که از این دنیا چه درک و برداشتی داریم، که این هم به سطح فکر ما برمی‌گردد.

برخی از بزرگ‌ترین دانشمندان و معلمان تاریخ، عالم هستی را به شکل دکتر هاگلین تعریف کرده‌اند. آن‌ها گفته‌اند آنچه وجود دارد، ذهنی جهانی است. و جایی نیست که این ذهن جهانی در آن وجود نداشته باشد. در همه جا وجود دارد. این ذهن یگانه همه‌اش هوش و فراست است، همه‌اش درایت و کمال است. در آن واحد در همه چیز و همه جا هست. اگر همه چیز ذهن جهانی است، و اگر همه چیز آن در همه جا وجود دارد، نتیجه می‌گیریم که همه آن در شما متجلی است.

اجازه بدهید کمی بیشتر توضیح بدهم. معنایش این است که هر امکانی پیشاپیش وجود دارد. همه دانش‌ها، همه کشفیات، و همه اختراعات مربوط به آینده در ذهن عالم هستی وجود دارند و منتظرند که انسان‌ها آن‌ها را کشف کنند. هر اختراع و کشفی که در طی تاریخ صورت گرفته، از ذهن عالم هستی نشئت گرفته است، خواه این را بدانیم و خواه ندانیم.

اما شما چگونه از آن بهره‌برداری می‌کنید؟ این کار را از طریق آگاهی‌ای که از آن دارید انجام می‌دهید. این کار را با استفاده از قدرت شگفت‌انگیز و خلاق خود انجام می‌دهید. به اطراف خود و به نیازهایی که باید برآورده شوند فکر کنید. به نیازها توجه کنید، و بعد تصور کنید که این نیازها برآورده شده‌اند. ذهن عالم هستی این امکان را به شما می‌دهد. کافی است ذهن خود را به روی نتیجه‌نهایی بگشایید و تصور کنید که این نیاز را

بر طرف می‌سازید و به آن صورت واقعیت می‌بخشید. وقتی طلب می‌کنید و احساس و باور می‌کنید، دریافت‌کننده می‌شوید. افکار بی‌انتها انتظار شما را می‌کشند تا صورت واقعیت پیدا کنند. همه چیز در آگاهی شما وجود دارد.

«ذهن الهی تنها حقیقتی است که وجود دارد.»

— چارلز فیلمور

جان آساراف

همه ما با هم در ارتباط هستیم. تنها این را متوجه نمی‌شویم. چیزی وجود ندارد که با چیزهای دیگر در ارتباط نباشد. همه چیز در عالم هستی با هم در ارتباط است. تنها یک میدان انرژی وجود دارد.

بنابراین به هر طریقی که به آن نگاه کنید، به نتیجه واحدی می‌رسید. ما همه یکی هستیم. همه با هم در پیوند و ارتباطیم. همه ما بخشی از یک میدان انرژی، یک ذهن متعالی، یک آگاهی، و یا یک منبع خلاق هستیم. اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید.

اگر این‌گونه به قانون جذب نگاه کنید، آن را در حد کمال مطلق می‌بینید.

در این صورت متوجه می‌شوید که چرا وقتی درباره کسی فکر منفی می‌کنید، نتیجه‌اش به خود شما باز می‌گردد. همه ما یکی هستیم. شما نمی‌توانید آسیب ببینید، مگر آنکه خودتان این آسیب را به وجود آورید.

شما امکان انتخاب دارید. اما وقتی افکار منفی را به ذهن خود راه می‌دهید، وقتی احساسات منفی پیدا می‌کنید، خود را از آن وجود واحد و همه خوبی‌ها دور می‌سازید. به همه احساسات منفی موجود فکر کنید. خواهید دید که زیربنای همه آن‌ها ترس است. این ترس ناشی از اندیشه جدایی و خود را متفاوت با دیگران دیدن است.

رقابت، نمونه‌ای از جدایی است. وقتی فکر رقابت به سرتان می‌زند، این ناشی از ذهنیتی است که به کمبود فکر می‌کند. این‌گونه می‌گویید که همه چیز به قدر کافی وجود ندارد. می‌گویید همه چیز برای همه به قدر کافی یافت نمی‌شود، بنابراین برای رسیدن به آنچه می‌خواهیم، باید رقابت کنیم. وقتی رقابت می‌کنید، امکان پیروزی ندارید. حتی اگر فکر کنید که برنده شده‌اید، برنده نشده‌اید. به حکم قانون جذب وقتی با دیگران رقابت می‌کنید، زمینه‌ای فراهم می‌سازید تا آن‌ها هم متقابلاً با شما رقابت کنند. و در نهایت شما بازنده می‌شوید. همه ما یکی هستیم، بنابراین وقتی رقابت می‌کنید، با خودتان رقابت می‌کنید. باید فکر رقابت را از ذهنتان بیرون کنید و به ذهنی خلاق تبدیل شوید. تنها به رؤیاهای دیدگاه‌های خود بیندیشید و فکر رقابت را از سرتان بیرون کنید.

عالم هستی عرضه‌کننده همه چیز است. همه چیز نشئت گرفته از عالم هستی است و از طریق سایرین، اوضاع و احوال، و حوادث به شما انتقال پیدا می‌کند. منشأ همه این‌ها قانون جذب است. قانون جذب را قانون عرضه بدانید. این قانونی است که به شما امکان می‌دهد از عرضه بی‌انتها برخوردار باشید.

اشخاص نیستند که آنچه را شما می‌خواهید به شما می‌دهند. اگر بر این باور اشتباه باشید، کمبودها و نبودها را تجربه می‌کنید، زیرا به دیگران و به دنیای بیرون نظر می‌کنید و خواسته‌های خود را از آن‌ها مطالبه می‌کنید. منبع عرضه واقعی میدان نامرئی است. می‌توانید اسمش را عالم هستی، ذهن متعالی، یا پروردگار بگذارید. هرگاه چیزی به دست می‌آورید، بدانید که این امر از طریق قانون جذب امکان پذیر شده است. شما به خواسته خود رسیده‌اید چون در بسامد مناسب دریافت قرار گرفته‌اید.

لیزا نیکولز

اغلب ما تحت تأثیر آنچه آن را جسم و وجود مادی می‌دانیم، از راه به در می‌شویم. جسم روان را در بر می‌گیرد. اما روان شما به اندازه‌ای بزرگ است که یک اتاق را پر کند. شما زندگی جاودانه هستید. شما دم خداوند در قالب جسم مادی هستید.

مایکل برنارد بکویت

می‌توانیم بگوییم که ما تصویر خداوند روی زمین هستیم. می‌توانیم بگوییم ما روش دیگری هستیم برای اینکه عالم هستی از خود آگاهی پیدا کند. می‌توانیم بگوییم ما میدان بی‌انتهای همه امکان‌های تمام‌ناشدنی هستیم.

«نود و نه درصد وجود واقعی شما نامرئی و ناملموس است.»

— باکمینستر فولر (۱۹۸۳-۱۸۹۵)

جیمز ری

هر سستی به شما می‌گوید که شما در متن تصویر منبع خلاقیت آفریده شده‌اید. این بدان معناست که از توانمندی‌های خداگونه برخوردارید. از قدرت آن بهره دارید که دنیایان را بسازید. شاید تاکنون چیزهای جالبی خلق کرده باشید، شاید هم نکرده باشید. سؤالی که می‌خواهم از شما بکنم این است: «نتایجی که در زندگی به دست آورده‌اید همان چیزهایی است که خواهانش بوده‌اید؟» اگر جوابتان منفی است، زمان آن نرسیده که تغییراتی در کارتان بدهید؟ شما این قدرت را دارید که چنین کاری بکنید.

«همه قدرت‌ها نشئت گرفته از درون است، و بنابراین تحت اختیار است.»

— رابرت کولیر

شما گذشته خود نیستید

جک کانفیلد

خیلی‌ها فکر می‌کنند قربانیان زندگی هستند. این‌ها اغلب به گذشته اشاره می‌کنند. شاید پدر و مادر بد رفتاری داشته‌اند. شاید در خانواده‌ای ناکارآمد بزرگ شده‌اند. اغلب روان‌شناسان معتقدند ۸۵ درصد خانواده‌ها ناکارآمد هستند. بنابراین در یک لحظه متوجه می‌شوید که منحصر به فرد نیستید.

بدرم با من بدرفتاری می‌کرد. شش ساله بودم که مادرم از او طلاق گرفت. خیلی‌ها به شکلی با مشکلات من روبه‌رو بوده‌اند. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است: بسیار خوب، حالا با این مشکل چه می‌خواهید بکنید؟ می‌توانید همه فکرتان را روی آن متمرکز سازید. انتخاب دیگر این است که به وضعیت فعلی فکر کنید و ببینید که چه می‌خواهید. وقتی اشخاص به آنچه می‌خواهند فکر می‌کنند، آنچه نمی‌خواهند در پس زمینه قرار می‌گیرد.

«کسی که ذهنش را متوجه بخش‌های تاریک زندگی می‌کند، کسی که بارها و بارها نومی‌های گذشته را در زندگی خود جان می‌بخشد، در آینده با همان مشکلات روبه‌رو می‌گردد. اگر تنها بدی‌ها را ببینید، آن‌ها را به زندگی خود دعوت می‌کنید.»

— پرتیس مالفورد

اگر به مشکلات گذشته توجه کنید، مشکلات بیشتری را به زندگی خود راه می‌دهید. گذشته‌ها را فراموش کنید. اگر از کسانی دلخوری دارید و آن‌ها به شما آسیب رسانده‌اند، بدانید که حالا شما تنها کسی هستید که می‌توانید زندگی‌ای را که سزاوارش هستید برای خود ایجاد کنید.

لیزا نیکولز

شما طراح سرنوشت خود هستید. شما نویسنده ماجرای

زندگی خود هستید. شما باید که داستان زندگی خود را می‌نویسید. قلم در دست شماست، و نتیجه‌اش هرچه باشد، از آن شما خواهد بود.

مایکل برنارد بکویت

نکته جالب درباره قانون جذب این است که می‌توانید از همان جایی که هستید شروع کنید. می‌توانید فکرهای حقیقی بکنید. می‌توانید هماهنگی و شادی را به زندگی خود بیاورید. قانون به شما جواب مثبت می‌دهد.

دکتر جو ویتال

حالا دارید باورهای متفاوتی پیدا می‌کنید. «در عالم هستی پیش از نیاز هسگان چیز وجود دارد.» ممکن است به این باور برسید که «من پیرتر نمی‌شوم، جوان‌تر می‌شوم.» هرطور که بخواهیم می‌توانیم دنیایمان را خلق کنیم. همه این‌ها با استفاده از قانون جذب صورت می‌گیرد.

مایکل برنارد بکویت

می‌توانید خود را از میراث گذشته‌ها جدا کنید. می‌توانید از باورهای اجتماعی و فرهنگی گذشته فاصله بگیرید و یک بار برای همیشه ثابت کنید قدرتی که در درون شماست، از قدرتی که در محدوده جهان است بزرگ‌تر است.

دکتر فرد آلن وولف

ممکن است با خود فکر کنید: «بسیار خوب، این عالی است. اما

من نمی توانم این کار را بکنم. یا «او نمی گذارد چنین کاری بکنم.» یا «او هرگز به من اجازه نمی دهد این کار را بکنم.» یا «به اندازه کافی پول ندارم که این کار را بکنم.» یا «به اندازه کافی ثروتمند نیستم که این کار را بکنم.» یا «نیستم، نیستم، نیستم، نیستم.»

اما بدانید که هر «نیستم» یک خلق جدید است!

خوب است که وقتی می گوئید «نیستم»، از آن آگاهی پیدا کنید. باید توجه کنید که وقتی این حرف را می زنید، چه چیزی را خلق می کنید. صحبت مهم دکتر وولف را بسیاری از معلمان تاریخ مورد تأیید قرار داده اند. بسیاری از آنها درباره «هستم» حرف هایی زده اند. وقتی این گونه می گوئید، به کلماتتان قدرت می بخشید. وقتی می گوئید «خسته هستم» یا «بی پول هستم» یا «بیمار هستم» یا «بیش از اندازه چاق هستم» یا «بیر هستم»، غول می گوئید: «فرمانبر دارم، از باب!»

بهتر نیست از جمله «من هستم» به شکل قدرتمندتری به سود خود استفاده کنید؟ مثلاً بگوئید: «چیزهای بسیار خوبی دریافت می کنم. خوشحال هستم. پولدار هستم. سالم هستم. عاشق هستم. همیشه سر وقت هستم. همه روزه سرشار از انرژی هستم.»

«این قانون برای کاری که می تواند در باره تان انجام دهد هیچ محدودیتی ندارد. تصور کنید که آرمانتان پیشاپیش صورت تحقق گرفته است.»

— چارلز هائل

هنری فورده وقتی می خواست رؤیای اتومبیل سازی اش را به جهان عرضه کند، اطرافیانش به تمسخر گفتند که عقلش را از دست داده است. اما هنری فورده به مراتب بیش از کسانی که مسخره اش می کردند، آگاهی داشت. او راز را می شناخت و از قانون عالم هستی باخبر بود.

«اگر فکر کنید می توانید، حتماً می توانید؛ و اگر فکر کنید

نمی توانید، حتماً نمی توانید.»

— هنری فورده (۱۸۶۳-۱۹۴۷)

شما فکر می کنید می توانید؟ با این آگاهی، هر کاری از دستتان ساخته است. ممکن است در گذشته خودتان را دست کم گرفته باشید. اما حالا می دانید که ذهنی متعالی هستید و به لطف این ذهن متعالی می توانید آنچه را می خواهید به دست آورید.

مایکل برنارد بکویت

محدودیتی در این زمینه وجود دارد؟ مطلقاً. ما موجوداتی نامحدود هستیم. هیچ سقفی نداریم. توانمندی ها، استعدادها، و قدرتی که در تک تک افراد وجود دارد، نامحدود است.

از افکار خود آگاه باشید

همه قدرت شما بستگی به این دارد که از این قدرت آگاهی داشته باشید.

اگر بگذارید، ذهن شما می‌تواند شبیه قطاری باشد که با نیروی بخار حرکت می‌کند. می‌تواند شما را به اندیشه گذشته‌ها سوق دهد و بعد به حیطة اندیشه درباره آینده برساند. اگر آگاهی لازم را داشته باشید، در لحظه حال زندگی می‌کنید و می‌دانید که به چه می‌اندیشید. شما مهار اندیشه خود را به دست گرفته‌اید، و این جایی است که قدرتان در آن قرار دارد.

با این حساب چگونه می‌توانید بر آگاهی‌های خود بیفزایید؟ راهی برای این کار این است که لحظه‌ای تأمل کنید و از خود پرسید: «در این لحظه به چه فکر می‌کنم؟ چه احساسی دارم؟» به محض اینکه این را پرسید به آگاهی می‌رسید، زیرا ذهن خود را به لحظه اکنون بازگردانده‌اید.

هرگاه به این موضوع فکر می‌کنید، خود را به آگاهی اکنون برسانید. روزی صدها بار این کار را بکنید. بدانید همه آگاهی شما بسته به این است که از این آگاهی اطلاع داشته باشید.

بنا بر این من برای اینکه آگاه‌تر باشم، به خود یادآور می‌شوم که به یاد بیاورم. از عالم هستی می‌خواهم مرا در لحظه اکنون قرار دهد.

«راز حقیقی قدرت، آگاهی از قدرت است.»

— چارلز هانل

وقتی از قدرت راز آگاه می‌شوید و از آن به سود خود استفاده می‌کنید، به همه سؤالاتان جواب داده می‌شود. وقتی درک عمیق‌تری از قانون جذب پیدا می‌کنید، می‌توانید سؤال کردن را برای خود به عادت تبدیل کنید. وقتی

این کار را بکنید، به همه سؤالات خود جواب می‌دهید.

واقعیت این است که کائنات در تمام مدت زندگی به سؤالات شما جواب داده است. اما تا زمانی که در وضعیت آگاهی نباشید، نمی‌توانید جواب‌ها را درک کنید. از آنچه پیرامونتان می‌گذرد آگاه باشید، زیرا در هر لحظه‌ای از روز جواب‌هایتان را دریافت می‌کنید.

من در زندگی خودم و در زندگی دیگران به این نتیجه رسیده‌ام که ما درباره خودمان کاملاً خوب و درست فکر نمی‌کنیم. اگر خودمان را دوست نداشته باشیم، خود را از خواسته‌مان دور نگه می‌داریم. وقتی خودمان را دوست نداشته باشیم، همه چیز را از خود پس می‌زنیم.

آنچه ما می‌خواهیم از عشق انگیزه می‌گیرد. برای جذب آنچه دوست داریم، باید عشق از خود ساطع کنیم تا آنچه می‌خواهیم بلافاصله به دست آید.

برای اینکه عشق از خود ساطع کنید، باید خودتان را دوست داشته باشید، و این برای خیلی‌ها کار دشواری است. اگر خودتان را دوست نداشته باشید، با نگاه به خود کسی را می‌بینید که پر از تقصیر است.

برای دوست داشتن خود باید به بُعد جدیدی از خود توجه کنید. باید به حضور درون خود نگاه کنید. لحظه‌ای آرام بگیرید. به حضور زندگی در درون خود بیندیشید. وقتی به حضور لحظه در درون خود دقیق می‌شوید، خودش را برای شما آشکار می‌کند.

هرگاه با دید انتقادی به خود نگاه می‌کنید، بلافاصله به حضور واقع در درون خود بیندیشید. کامل بودن این لحظه حضور، خودش را به شما می‌نمایاند.

«حقیقت مطلق این است که «من» کامل و بی‌کم و کاست است. من واقعی معنوی است، بنابر این هرگز نمی‌تواند کمتر از کامل باشد. نمی‌تواند کمبود، محدودیت، یا بیماری داشته باشد.»

— چارلز هانل

خلاصه راز

- ♦ همه چیز انرژی است. شما مغناطیس انرژی هستید، از این رو همه چیز را به سمت خود جلب می‌کنید و به آنچه می‌خواهید می‌رسید.
- ♦ شما موجودی معنوی هستید. شما انرژی هستید، و انرژی را نه می‌توان خلق کرد و نه می‌توان از بین برد. انرژی در نهایت فقط شکل عوض می‌کند.
- کائنات حاصل اندیشه است. ما نه تنها خالق سرنوشت خود هستیم، بلکه عالم هستی را رقم می‌زنیم.
- شما با افکاری نامحدود روبه‌رو هستید. همه دانش‌ها، کشفیات، و اختراعات، در ذهن کائنات به شکل چیزی ممکن وجود دارند و منتظرند ذهن انسان آن‌ها را کشف کند. باید همه چیز را در آگاهی خود خلق کنید.
- همه ما با هم در ارتباط و پیوند هستیم.
- مشکلات گذشته‌ها را رها سازید. تنها شما هستید که می‌توانید زندگی خود را رقم بزنید.
- ♦ برای رسیدن به خواسته‌تان، آن را واقعیت مطلق در نظر بگیرید.
- قدرت شما در اندیشه‌تان است. بنابراین آگاه باقی بمانید. به عبارت دیگر، «به خاطر داشته باشید که به خاطر بیاورید.»